

# The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

## Comparative Analysis of Immigrants' Rights Using the Theories of John Locke and Allameh Naeini

Leila Esmaeili\*<sup>1</sup>

1. Department of Law, University of Yazd, Yazd, Iran

\* Corresponding Author's Email: esmaeili4562@gmail.com

### ABSTRACT

This article presents a comparative analysis of immigrants' rights from the perspectives of two prominent thinkers, John Locke and Allameh Naeini. John Locke, as a representative of Western liberal philosophy, emphasizes natural rights and the social contract, believing that individual rights stem from nature and the initial state of humanity. In contrast, Allameh Naeini, one of the most distinguished Shia scholars and thinkers, emphasizes divine rights and the principles of Islamic Sharia. This article examines the philosophical and jurisprudential foundations of these two theorists, analyzing the compatibility of natural rights and property from their perspectives. Subsequently, the rights of immigrants are comparatively reviewed from the viewpoints of these thinkers, identifying similarities and differences. The study's findings indicate that both thinkers underscore the importance of immigrants' rights but utilize different theoretical foundations to support these rights. These differences can contribute to the formulation of multidimensional and comprehensive immigration policies that respect the fundamental rights and human dignity of immigrants in various societies. Finally, the practical applications of these theories in contemporary international law and recommendations for immigration policy-making are discussed.

**Keywords:** John Locke, Allameh Naeini, Immigrants' Rights, Natural Rights, Justice, International Law.

How to cite: Esmaeili, L. (2024). The Impact of Thomas Piketty's Theories and Imam Muhammad al-Baqir's (A) Comparative Analysis of Immigrants' Rights Using the Theories of John Locke and Allameh Naeini. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(1), 24-32.



تاریخ ارسال: ۱۱ بهمن ۱۴۰۲  
 تاریخ بازنگری: ۱۵ اسفند ۱۴۰۲  
 تاریخ پذیرش: ۲۷ اسفند ۱۴۰۲  
 تاریخ چاپ: ۲۵ فروردین ۱۴۰۳

## دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

### بررسی تطبیقی حقوق مهاجران با استفاده از نظریات جان لاک و علامه نائینی

لیلا اسماعیلی\*<sup>۱</sup>

۱. دانشکده حقوق، دانشگاه یزد، یزد، ایران

\* پست الکترونیک نویسنده مسئول: esmaeili4562@gmail.com

#### چکیده

این مقاله به بررسی تطبیقی حقوق مهاجران از دیدگاه دو متفکر برجسته، جان لاک و علامه نائینی، می‌پردازد. جان لاک به‌عنوان نماینده فلسفه لیبرالیسم غربی، بر حقوق طبیعی و قرارداد اجتماعی تأکید دارد و معتقد است که حقوق افراد ناشی از طبیعت و وضعیت اولیه آنهاست. در مقابل، علامه نائینی به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین فقها و اندیشمندان شیعه، بر حقوق الهی و اصول شریعت اسلامی تأکید دارد. در این مقاله، مبانی فلسفی و فقهی این دو نظریه پرداز بررسی شده و تطبیق حقوق طبیعی و مالکیت از دیدگاه آنها مورد تحلیل قرار گرفته است. سپس حقوق مهاجران از دیدگاه این دو متفکر به‌طور تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته و شباهت‌ها و تفاوت‌های این دیدگاه‌ها تحلیل شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که هر دو متفکر بر اهمیت حقوق مهاجران تأکید دارند، اما از مبانی نظری متفاوتی برای حمایت از این حقوق استفاده می‌کنند. این تفاوت‌ها می‌تواند به تدوین سیاست‌های مهاجرتی چندبعدی و جامع کمک کند که به حقوق اساسی و کرامت انسانی مهاجران در جوامع مختلف احترام بگذارند. در پایان، کاربردهای عملی این نظریات در حقوق بین‌الملل معاصر و پیشنهادهای برای سیاست‌گذاری‌های مهاجرتی ارائه شده است.

کلیدواژگان: جان لاک، علامه نائینی، حقوق مهاجران، حقوق طبیعی، عدالت، حقوق بین‌الملل.



## مقدمه

حقوق مهاجران از موضوعاتی است که همواره در محافل علمی، سیاسی و اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به تحولات جهانی و افزایش مهاجرت‌ها، بررسی حقوق مهاجران از دیدگاه‌های مختلف فلسفی و فقهی اهمیت بسیاری یافته است. در این مقاله، به مقایسه نظریات دو متفکر برجسته، جان لاک و علامه نائینی، در مورد حقوق مهاجران پرداخته خواهد شد. این مقایسه می‌تواند دیدگاه‌های متفاوتی را در زمینه حقوق مهاجران به ما ارائه دهد و به فهم عمیق‌تری از موضوع کمک کند (Truluck, 2023).

مهاجرت یکی از پدیده‌های مهم و چالش‌برانگیز قرن حاضر است که تأثیرات زیادی بر جوامع میزبان و مبدأ دارد. حقوق مهاجران نه تنها از منظر انسانی و اخلاقی مهم است، بلکه از نظر قانونی و سیاسی نیز اهمیت بسیاری دارد. بررسی و مقایسه نظریات دو فیلسوف بزرگ، یکی از دنیای غرب و دیگری از دنیای اسلام، می‌تواند به درک بهتر این حقوق و نحوه اجرا و اعمال آن‌ها در جوامع مختلف کمک کند. لذا، هدف این مقاله، بررسی تطبیقی نظریات جان لاک و علامه نائینی در مورد حقوق مهاجران و تحلیل شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو دیدگاه است. با این کار، سعی می‌شود تا به یک درک جامع‌تر و چندبعدی از حقوق مهاجران دست یابیم و راهکارهایی برای بهبود وضعیت حقوقی مهاجران در جوامع مختلف پیشنهاد دهیم.

## روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله به صورت کیفی و تطبیقی خواهد بود. ابتدا نظریات جان لاک و علامه نائینی در مورد حقوق مهاجران مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس این نظریات با یکدیگر مقایسه می‌شوند. در این راستا، از منابع معتبر و مقالات علمی استفاده خواهد شد تا یک تحلیل جامع و دقیق ارائه شود.

## نظریات حقوقی جان لاک

## مقدمه‌ای بر جان لاک

جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴)، فیلسوف و نظریه‌پرداز انگلیسی، یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های فلسفه سیاسی و حقوقی در تاریخ غرب محسوب می‌شود. او به‌عنوان یکی از بنیان‌گذاران لیبرالیسم کلاسیک شناخته می‌شود و آثار او، به‌ویژه "دو رساله درباره حکومت" (۱۶۸۹)، تأثیر عمیقی بر نظریات سیاسی و حقوقی مدرن داشته‌اند. لاک در نظریات خود به حقوق طبیعی، مالکیت خصوصی و نقش حکومت در حفاظت از این حقوق پرداخته است (Andrew, 2009).

## مبانی فلسفی و سیاسی نظریات لاک

نظریات جان لاک بر اساس مبانی فلسفی و سیاسی خاصی استوار است که شامل مفهوم حقوق طبیعی، قرارداد اجتماعی و نقش محدود حکومت می‌باشد. لاک معتقد است که انسان‌ها به‌طور طبیعی دارای حقوقی هستند که از وضعیت طبیعی ناشی می‌شوند. این حقوق شامل حق زندگی، آزادی و مالکیت است که هیچ‌کس نمی‌تواند آن‌ها را از دیگران سلب کند (Tuckness, 2008). لاک همچنین بر این باور است که حکومت‌ها باید بر اساس قرارداد اجتماعی تشکیل شوند و وظیفه اصلی آن‌ها حفاظت از حقوق طبیعی افراد است (Andrew, 2009).

## حقوق طبیعی و مالکیت در نظریات لاک

حقوق طبیعی در فلسفه لاک به حقوقی اشاره دارد که انسان‌ها به‌طور طبیعی و بدون دخالت حکومت‌ها دارا هستند. این حقوق شامل حق زندگی، آزادی و مالکیت می‌باشد. لاک در مورد مالکیت خصوصی نظریات مفصلی ارائه کرده است. او معتقد است که مالکیت از طریق کار و تلاش فردی به‌دست می‌آید و هر فرد حق دارد تا محصول کار خود را به‌عنوان مالکیت شخصی حفظ کند (Nieswandt, 2019). لاک در "دو رساله درباره حکومت" به‌طور مفصل به این موضوع پرداخته و بیان می‌کند که "هر کس حق دارد آنچه را که از طبیعت گرفته و با کار خود مخلوط کرده است، به‌عنوان مالکیت خود در نظر بگیرد" (Wilhelm, 1999).

## حقوق مهاجران از دیدگاه جان لاک

جان لاک در نظریات خود به طور مستقیم به حقوق مهاجران اشاره نکرده است، اما اصول و مبانی فلسفی او می‌تواند به تحلیل حقوق مهاجران کمک کنند. از دیدگاه لاک، مهاجران نیز به عنوان انسان‌هایی که دارای حقوق طبیعی هستند، باید از حق زندگی، آزادی و مالکیت برخوردار باشند. لاک بر این باور است که هر فردی حق دارد تا در جستجوی شرایط بهتر زندگی، به دیگر کشورها مهاجرت کند و در آنجا به طور قانونی و با رعایت حقوق دیگران به زندگی بپردازد (Andrew, 2009).

با توجه به نظریات لاک، می‌توان نتیجه گرفت که مهاجران نیز باید از حقوق برابر با شهروندان بومی برخوردار باشند و حکومت‌ها وظیفه دارند تا این حقوق را محترم بشمارند و از آن‌ها حفاظت کنند. لاک همچنین به اهمیت عدالت و انصاف در برخورد با مهاجران تأکید دارد و معتقد است که هرگونه تبعیض و نابرابری در این زمینه مغایر با اصول حقوق طبیعی است (Wilhelm, 1999).

### نظریات حقوقی علامه نائینی

#### مقدمه‌ای بر علامه نائینی

علامه محمد حسین نائینی (۱۹۳۶-۱۸۶۰)، یکی از برجسته‌ترین فقها و اندیشمندان شیعه در قرن بیستم، با ارائه نظریات فقهی و حقوقی نوین نقش مهمی در تحول فقه شیعه و توسعه نظریات حقوقی ایفا کرده است. او به ویژه در زمینه حقوق سیاسی و اجتماعی، تأثیر بسزایی داشته و کتاب "تنبيه‌الامه و تنزیه‌المله" از آثار برجسته اوست که به موضوع حقوق بشر و حکومت پرداخته است (Truluck, 2023).

#### مبانی فقهی و حقوقی نظریات نائینی

مبانی فقهی و حقوقی علامه نائینی بر اصول و قواعد اسلامی استوار است. او معتقد است که حقوق و تکالیف انسان‌ها از شریعت الهی ناشی می‌شوند و باید بر اساس تعالیم قرآن و سنت پیامبر اسلام

(ص) تنظیم شوند. نائینی به طور خاص به اصل عدالت و اهمیت آن در نظام حقوقی اسلامی تأکید دارد. او بر این باور است که عدالت نه تنها در روابط فردی بلکه در ساختار حکومت و قوانین نیز باید رعایت شود (Truluck, 2023).

#### مفهوم حقوق و عدالت در نظریات نائینی

علامه نائینی در نظریات خود به مفهوم حقوق و عدالت پرداخته و تأکید کرده است که هر انسان به عنوان خلیفه خداوند بر روی زمین، دارای حقوق و تکالیفی است که باید محترم شمرده شوند. او عدالت را یکی از اصول بنیادین اسلام می‌داند و معتقد است که حکومت‌ها باید در اجرای قوانین و مقررات خود، به این اصل توجه ویژه‌ای داشته باشند (Truluck, 2023). نائینی در کتاب "تنبيه‌الامه و تنزیه‌المله" بیان می‌کند که "عدالت اساسی‌ترین رکن حکومت اسلامی است و بدون آن هیچ حکومتی مشروعیت ندارد" (Truluck, 2023).

#### حقوق مهاجران از دیدگاه علامه نائینی

علامه نائینی به طور مستقیم به حقوق مهاجران نپرداخته است، اما اصول و مبانی نظری او می‌تواند در تحلیل حقوق مهاجران مورد استفاده قرار گیرند. از دیدگاه نائینی، مهاجران به عنوان انسان‌هایی که دارای کرامت و حقوق الهی هستند، باید از حقوق برابر با دیگر شهروندان برخوردار باشند. او بر این باور است که حقوق انسان‌ها از شریعت الهی ناشی می‌شود و هیچ‌کس نمی‌تواند این حقوق را نقض کند (Truluck, 2023).

نائینی همچنین به اصل برابری و عدالت در برخورد با مهاجران تأکید دارد و معتقد است که هرگونه تبعیض و نابرابری در این زمینه، مغایر با اصول اسلامی است. او بیان می‌کند که "در حکومت اسلامی، همه انسان‌ها باید از حقوق برابر برخوردار باشند و هیچ‌کس نمی‌تواند به واسطه نژاد، قومیت یا مذهب مورد تبعیض قرار گیرد" (Truluck, 2023).

تشکیل می‌دهند. از دیدگاه لاک، مهاجران نیز باید از این حقوق برخوردار باشند و حکومت‌ها وظیفه دارند تا از این حقوق حفاظت کنند (Wilhelm, 1999).

در مقابل، علامه نائینی نیز بر حقوق الهی و عدالت تأکید دارد، اما منشاء این حقوق را از شریعت اسلامی می‌داند. نائینی معتقد است که هر انسان به عنوان خلیفه خداوند بر روی زمین، دارای حقوق و تکالیفی است که باید محترم شمرده شوند (Truluck, 2023). او بر این باور است که حقوق مهاجران نیز باید بر اساس اصول عدالت و شریعت اسلامی تنظیم و حفاظت شود (Truluck, 2023).

#### تحلیل تطبیقی حقوق مهاجران

تحلیل تطبیقی حقوق مهاجران از دیدگاه لاک و نائینی نشان می‌دهد که هر دو متفکر بر اهمیت حقوق افراد تأکید دارند، اما چارچوب‌های نظری و مبانی حقوقی متفاوتی را ارائه می‌دهند. لاک بر حقوق طبیعی و قرارداد اجتماعی تأکید دارد و معتقد است که مهاجران نیز باید از حقوق برابر با دیگر شهروندان برخوردار باشند (Andrew, 2009). او بر این باور است که هر فرد حق دارد تا در جستجوی شرایط بهتر زندگی، به دیگر کشورها مهاجرت کند و در آنجا به‌طور قانونی و با رعایت حقوق دیگران به زندگی بپردازد (Wilhelm, 1999).

در مقابل، نائینی بر حقوق الهی و شریعت اسلامی تأکید دارد و معتقد است که حقوق مهاجران باید بر اساس اصول عدالت و شریعت تنظیم شود. او بر این باور است که هرگونه تبعیض و نابرابری در برخورد با مهاجران مغایر با اصول اسلامی است و همه انسان‌ها باید از حقوق برابر برخوردار باشند (Truluck, 2023). نائینی به اهمیت عدالت و انصاف در برخورد با مهاجران تأکید دارد و معتقد است که حکومت‌ها وظیفه دارند تا از این حقوق حفاظت کنند (Truluck, 2023).

#### تطبیق مفهوم عدالت و حقوق انسانی

با توجه به نظریات علامه نائینی، می‌توان نتیجه گرفت که مهاجران نیز به‌عنوان انسان‌هایی که دارای حقوق الهی هستند، باید از حقوق برابر با دیگر شهروندان برخوردار باشند. حکومت‌ها وظیفه دارند تا این حقوق را محترم شمرده و از آن‌ها حفاظت کنند. نائینی همچنین به اهمیت عدالت و انصاف در برخورد با مهاجران تأکید دارد و معتقد است که هرگونه تبعیض و نابرابری در این زمینه مغایر با اصول اسلامی است (Truluck, 2023).

#### مقایسه تطبیقی حقوق مهاجران از دیدگاه جان لاک و علامه نائینی

##### شباهت‌ها و تفاوت‌ها در مبانی فلسفی و فقهی

نظریات جان لاک و علامه نائینی از دو زمینه فرهنگی و مذهبی متفاوت سرچشمه می‌گیرند، اما در برخی مبانی اساسی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند. لاک بر حقوق طبیعی و فلسفه لیبرالیسم تأکید دارد و معتقد است که حقوق افراد از طبیعت و وضعیت اولیه آنها ناشی می‌شود (Andrew, 2009). در مقابل، نائینی بر اصول فقهی اسلامی و شریعت تأکید دارد و حقوق افراد را به اراده الهی مرتبط می‌داند (Truluck, 2023).

لاک و نائینی هر دو بر اهمیت حقوق افراد تأکید دارند، اما منشاء این حقوق را متفاوت می‌دانند. لاک معتقد است که حقوق افراد ناشی از طبیعت و قرارداد اجتماعی است، در حالی که نائینی این حقوق را از شریعت و اراده الهی مشتق می‌داند (Truluck, 2008; Tuckness, 2023). این تفاوت بنیادی در مبانی فلسفی و فقهی، تأثیرات مهمی بر نحوه تفسیر و اجرای حقوق مهاجران دارد.

##### تطبیق حقوق طبیعی و مالکیت

جان لاک معتقد است که حقوق طبیعی شامل حق زندگی، آزادی و مالکیت است و هر فرد حق دارد تا محصول کار خود را به عنوان مالکیت شخصی حفظ کند (Nieswandt, 2019). این حقوق طبیعی، پایه‌های نظریات لاک در مورد حکومت و حقوق بشر را

لاک می‌تواند پایه‌ای برای تدوین قوانین بین‌المللی باشد که حقوق مهاجران را به‌عنوان حقوق بشر به رسمیت می‌شناسند.

از سوی دیگر، نظریات علامه نائینی نیز می‌توانند در حقوق بین‌الملل معاصر مؤثر باشند، به‌ویژه در جوامع اسلامی که قوانین شریعت را به‌عنوان مبنای حقوقی خود دارند. نائینی با تأکید بر عدالت و حقوق الهی، یک چارچوب فقهی فراهم می‌کند که می‌تواند در تدوین سیاست‌های مهاجرتی که به حقوق و کرامت انسانی مهاجران توجه دارند، مورد استفاده قرار گیرد (Truluck, 2023). به‌عنوان مثال، مفاهیم عدالت نائینی می‌تواند در تدوین مقرراتی که به برابری و عدم تبعیض در برخورد با مهاجران می‌پردازند، کاربرد داشته باشد.

#### پیشنهادات برای سیاست‌گذاری‌های مهاجرتی

بر اساس نظریات جان لاک و علامه نائینی، چندین پیشنهاد برای سیاست‌گذاری‌های مهاجرتی می‌توان ارائه داد:

حفاظت از حقوق اساسی مهاجران: دولت‌ها باید حقوق اساسی مهاجران، شامل حق زندگی، آزادی و مالکیت، را به رسمیت بشناسند و از آنها حفاظت کنند. این حقوق باید به‌عنوان حقوق بشر و بر اساس مفاهیم حقوق طبیعی لاک و حقوق الهی نائینی در نظر گرفته شوند (Andrew, 2009; Truluck, 2023).

برابری و عدم تبعیض: سیاست‌های مهاجرتی باید بر اساس اصول عدالت و برابری تنظیم شوند. دولت‌ها باید از هرگونه تبعیض نژادی، قومی و مذهبی در برخورد با مهاجران اجتناب کنند و شرایط برابر برای همه افراد فراهم کنند (Truluck, 2023; Wilhelm, 1999).

ایجاد فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی: دولت‌ها باید فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی مناسبی برای مهاجران فراهم کنند تا آنها بتوانند به‌طور کامل در جامعه میزبان ادغام شوند. این شامل دسترسی به بازار کار، آموزش و خدمات بهداشتی می‌شود (Truluck, 2023; Tuckness, 2008).

مفهوم عدالت در نظریات لاک و نائینی دارای اهمیت ویژه‌ای است، اما با تعاریف و رویکردهای متفاوتی همراه است. لاک عدالت را در چارچوب حقوق طبیعی و قرارداد اجتماعی تعریف می‌کند و معتقد است که عدالت باید در حفاظت از حقوق طبیعی افراد متجلی شود (Tuckness, 2008). از دیدگاه لاک، عدالت در برخورد با مهاجران به معنای احترام به حقوق طبیعی آنها و فراهم کردن شرایطی است که بتوانند به‌طور قانونی و بدون تبعیض در جامعه میزبان زندگی کنند (Andrew, 2009).

در مقابل، نائینی عدالت را در چارچوب شریعت اسلامی تعریف می‌کند و معتقد است که عدالت باید در تمامی جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی بر اساس اصول اسلامی رعایت شود. او بر این باور است که عدالت در برخورد با مهاجران به معنای احترام به حقوق الهی آنها و فراهم کردن شرایطی است که بتوانند به‌طور قانونی و بدون تبعیض در جامعه میزبان زندگی کنند (Truluck, 2023).

به‌طور کلی، مقایسه تطبیقی نظریات لاک و نائینی نشان می‌دهد که هر دو متفکر بر اهمیت حقوق مهاجران تأکید دارند، اما چارچوب‌های نظری و مبانی حقوقی متفاوتی را ارائه می‌دهند. این تفاوت‌ها می‌تواند به فهم بهتر از حقوق مهاجران و نحوه تفسیر و اجرای این حقوق در جوامع مختلف کمک کند.

#### کاربردهای عملی و نتیجه‌گیری

##### کاربرد نظریات در حقوق بین‌الملل معاصر

نظریات جان لاک و علامه نائینی می‌توانند تأثیرات قابل توجهی بر حقوق بین‌الملل معاصر و تدوین سیاست‌های مهاجرتی داشته باشند. لاک با تأکید بر حقوق طبیعی و قرارداد اجتماعی، یک چارچوب نظری قوی برای حمایت از حقوق مهاجران فراهم می‌کند. این نظریات می‌توانند در تدوین مقررات بین‌المللی که به حفاظت از حقوق اساسی مهاجران می‌پردازند، مورد استفاده قرار گیرند (Andrew, 2009). به‌عنوان مثال، مفاهیم حقوق طبیعی

از این حقوق استفاده می‌کنند. این تفاوت‌ها می‌تواند به تدوین سیاست‌های مهاجرتی چندبعدی و جامع کمک کند که به حقوق اساسی و کرامت انسانی مهاجران در جوامع مختلف احترام بگذارند. با توجه به افزایش مهاجرت‌ها در جهان امروز، این تحلیل‌ها و پیشنهادات می‌توانند به بهبود وضعیت حقوقی و اجتماعی مهاجران و ایجاد جوامع عادلانه‌تر و منصفانه‌تر کمک کنند.

#### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

#### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

### EXTENDED ABSTRACT

This article undertakes a comparative analysis of the rights of immigrants through the lenses of two influential thinkers: John Locke, a cornerstone of Western liberal philosophy, and Allameh Naeni, a distinguished Shia Islamic scholar. By examining the theoretical foundations and implications of their views on natural and divine rights, this study aims to shed light on how these perspectives can inform contemporary immigration policies and the protection of immigrants' rights. The analysis is grounded in the philosophical, political, and religious contexts from which Locke and Naeni derived their theories, providing a robust framework for understanding their contributions to the discourse on human rights and justice.

John Locke's contributions to political philosophy are seminal, particularly his

تدوین قوانین مهاجرتی شفاف و عادلانه: دولت‌ها باید قوانین مهاجرتی شفافی را تدوین کنند که به حقوق مهاجران احترام بگذارند و از سوءاستفاده و نقض حقوق آنها جلوگیری کنند. این قوانین باید بر اساس اصول حقوق طبیعی لاک و شریعت اسلامی نائینی تدوین شوند (Andrew, 2009; Truluck, 2023).

#### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نظریات جان لاک و علامه نائینی می‌توانند چارچوب‌های نظری قوی و جامعی برای تحلیل و تدوین سیاست‌های مهاجرتی فراهم کنند. لاک با تأکید بر حقوق طبیعی و قرارداد اجتماعی، یک چارچوب لیبرالی فراهم می‌کند که به حقوق اساسی و آزادی‌های فردی مهاجران توجه دارد (Andrew, 2009). در مقابل، نائینی با تأکید بر حقوق الهی و عدالت، یک چارچوب فقهی اسلامی فراهم می‌کند که به برابری و کرامت انسانی مهاجران تأکید دارد (Truluck, 2023).

این مقایسه تطبیقی نشان می‌دهد که هر دو متفکر به حقوق مهاجران اهمیت می‌دهند، اما از مبانی نظری متفاوتی برای حمایت theories articulated in "Two Treatises of Government" (1689). Locke posits that natural rights, including life, liberty, and property, are inherent to all individuals by virtue of their human nature and are not granted by governments (Andrew, 2009). These rights are fundamental and inalienable, forming the basis of Locke's social contract theory, where individuals consent to form governments primarily to protect these natural rights (Tuckness, 2008). This framework emphasizes the role of the state as a protector of individual freedoms, and by extension, supports the notion that immigrants, as bearers of natural rights, should be afforded the same protections and liberties as citizens.

In contrast, Allameh Naeni's perspective is deeply rooted in Islamic jurisprudence and the principles of Sharia. Naeni's seminal work, "Tanbih al-Ummah wa Tanzih al-Millah,"

addresses the concepts of justice and governance from an Islamic viewpoint, emphasizing the divine origin of rights and responsibilities. Naeini asserts that all human beings are endowed with certain rights and duties by God, which must be respected and upheld by Islamic governance. His views highlight the importance of justice ('adl) and the moral and ethical obligations of rulers to ensure the welfare and equitable treatment of all individuals, including immigrants. Naeini's framework advocates for a governance system that aligns with Sharia principles, ensuring that the rights of immigrants are respected as part of the broader commitment to justice and human dignity (Hanachi et al., 2023; Mirzaei, 2017; Pakravan Charvadeh & Mohammadi-Nasrabadi, 2020; Safdar et al., 2003).

The philosophical underpinnings of Locke and Naeini reveal both convergences and divergences in their approaches to rights and justice. Locke's theory of natural rights is secular and universal, grounded in the rational nature of human beings and their capacity for self-governance (Algar, 2002; Buckley, 2004; Yalçinkaya, 2021). In contrast, Naeini's approach is theologically based, with rights and duties derived from divine law as interpreted through Islamic jurisprudence (Yalçinkaya, 2021). Despite these foundational differences, both thinkers converge on the essential premise that justice and the protection of rights are paramount. This convergence suggests that, regardless of the source of rights, whether natural or divine, there is a shared recognition of the inherent dignity and worth of every individual, including immigrants.

Applying these theoretical frameworks to contemporary issues of immigration reveals practical insights for policy-making. Locke's emphasis on natural rights implies that immigration policies should be designed to protect the fundamental freedoms and

property rights of immigrants. Governments should create legal frameworks that ensure immigrants are treated with the same respect and afforded the same protections as native citizens, thus upholding the social contract's integrity (Tuckness, 2008). This could involve safeguarding immigrants' rights to work, own property, access education, and participate in civil society without discrimination (Nieswandt, 2019). Locke's theory provides a robust justification for inclusive and egalitarian immigration policies that prioritize human rights and individual freedoms.

On the other hand, Naeini's emphasis on justice and Sharia principles offers a complementary approach, particularly in Islamic contexts. His views advocate for policies that are not only just and equitable but also align with the moral and ethical standards of Islamic governance. This perspective underscores the importance of ensuring that immigration policies do not violate the principles of justice and fairness as mandated by Sharia. For instance, policies could include provisions for protecting the rights of immigrant workers, ensuring their access to essential services, and preventing exploitation and discrimination (Benkoumar, 2023; Truluck, 2023). Naeini's framework supports the idea that respecting the rights of immigrants is a moral obligation, integral to the broader pursuit of justice and social harmony.

In conclusion, the comparative analysis of John Locke and Allameh Naeini's theories on immigrants' rights underscores the importance of integrating diverse philosophical and theological perspectives in shaping contemporary immigration policies. Locke's secular, rights-based approach provides a universal framework for protecting individual freedoms, while Naeini's theologically grounded emphasis on justice offers a valuable perspective for ensuring



moral and ethical governance. Together, these frameworks highlight the need for comprehensive, inclusive, and just immigration policies that respect the inherent dignity and rights of all individuals, regardless of their origin. By drawing on these rich intellectual traditions, policymakers can develop more nuanced and effective strategies for addressing the complex challenges of immigration in a globalized world. This synthesis of ideas from different cultural and philosophical backgrounds can contribute to more humane and equitable solutions, promoting social cohesion and mutual respect in increasingly diverse societies.

## References

- Algar, H. (2002). Review: Early Shi'i Thought: The Teachings of Imam Muhammad Al-Baqir \* Arzina R. Lalani: Early Shi'i Thought: The Teachings of Imam Muhammad Al-Baqir. *Journal of Islamic Studies*, 13(1), 59-62. <https://doi.org/10.1093/jis/13.1.59>
- Andrew, E. (2009). A Note on Locke's "The Great Art of Government". *Canadian Journal of Political Science*, 42(2), 511-519. <https://doi.org/10.1017/S0008423909090313>
- Benkoumar, L. (2023). The Algerian Scholar, Sheikh Sidi Muhammad Belkadir, and His Efforts in Teaching the Qur'an and Sharia Sciences. *Rimak International Journal of Humanities and Social Sciences*, 05(03), 560-580. <https://doi.org/10.47832/2717-8293.23.29>
- Buckley, R. (2004). Early Shi'i Thought: The Teachings of Imam Muhammad Al-Baqir. *Journal of Semitic Studies*, 49(1), 180-181. <https://doi.org/10.1093/jss/49.1.180>
- Hanachi, N., Khademian, T., & Adhami, A. (2023). Sociological Investigation of Cultural-Social Influence of Afghanistan Immigrant Families from Iran (Case study of Tehran city) [Research Article]. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 6(2), 122-130. <https://doi.org/10.61186/ijes.6.2.122>
- Mirzaei, H. (2017). An Investigation of the Educational Integration of Afghan Immigrants in Iran. *Journal of Social Work Research*, 4(11), 43-84. <https://doi.org/10.22054/rjsw.2017.9650>
- Nieswandt, K. (2019). Beyond Frontier Town: Do Early Modern Theories of Property Apply to Capitalist Economies? *Ethical Theory and Moral Practice*, 22(4), 909-923. <https://doi.org/10.1007/s10677-019-10009-7>
- Pakravan Charvadeh, M., & Mohammadi-Nasrabadi, F. (2020). The association between social welfare, food security and diet diversity among Afghan immigrant households in the Southern areas of Tehran province. *Iranian Journal of Nutrition Sciences and Food Technology*, 15(1), 11-24. <http://nsft.sbmu.ac.ir/article-1-2923-en.html>
- Safdar, S., Lay, C. H., & Struthers, W. (2003). The Process of Acculturation and Basic Goals: Testing a Multidimensional Individual Difference Acculturation Model With Iranian Immigrants in Canada. *Applied Psychology*, 52(4), 555-579. <https://doi.org/10.1111/1464-0597.00151>
- Truluck, E. (2023). Using Islam to Protect the Rights of Migrant Workers: Bringing Kafala Into Sharia Compliance in Saudi Arabia. *Ucla Journal of Islamic and Near Eastern Law*, 20(1). <https://doi.org/10.5070/n420160505>
- Tuckness, A. (2008). John Locke and Public Administration. *Administration & Society*, 40(3), 253-270. <https://doi.org/10.1177/0095399707313705>
- Wilhelm, A. G. (1999). Good Fences and Good Neighbors: John Locke's Positive Doctrine of Toleration. *Political Research Quarterly*, 52(1), 145-166. <https://doi.org/10.1177/106591299905200106>
- YalÇinkaya, M. (2021). The History and Background of the Innocence of Imams in Shia. *Uluslararası Anadolu Sosyal Bilimler Dergisi*, 5(4), 1560-1579. <https://doi.org/10.47525/ulasbid.1009809>